

سرویس بین‌الملل

به دنبال حضور نظامی بی‌سابقه روس‌ها در سوریه، برخورد غرب نیز نسبت به دولت دمشق تغییر یافته است. مقامات واشنگتن ابتدا با صدور بیانیه‌های شدیداللحن علیه حضور نظامی مسکو در سوریه موضع گرفتند ولی شکست آموزش گروه‌هایی که امریکا آنها را مخالفان میانه‌رو می‌نامد، ائتلاف به رهبری امریکا را مجبور کرد نحوه برخورد خود را تغییر دهد. کشورهایی که هر یک به نوعی در وخیم شدن اوضاع سوریه در پنج سال گذشته نقش داشته‌اند در حال تغییر رویه و قبول فشار اسد هستند. سیداحمد دستمالچیان، سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در لبنان و اردن، می‌گوید: «حضور نظامی روسیه بر اساس اجماع جهانی برای مقابله با تروریست‌ها انجام شده و عملیات نهایی علیه تکفیری‌ها استراتژیک است.» به گفته دستمالچیان، ماهیت نظام سوریه و فشار اسد یکی است و اگر اسد کناره‌گیری کند شیرازه نظام از هم فرو پاشیده و تروریست‌ها قدرتمند تر خواهند شد. او درباره یمن نیز معتقد است که عربستان در باتلاق یمن فرو رفته و در عرصه میدانی کاری از پیش نخواهد برد. گفت‌وگوی «جوان» با دستمالچیان را بخوانید.

■ ■ ■

همانطور که می‌دانید روسیه حضور نظامی خود را در سوریه برای کمک بیشتر به دولت دمشق تقویت کرده است. به نظر تان در شرایط کنونی دلیل حضور تمام عیار مسکو در سوریه چیست؟ چرا که سه سال پیش زمانی که احتمال سقوط دمشق به دست تروریست‌ها وجود داشت روسیه وارد فاز نظامی شد و فقط به حمایت دیپلماتیک از دولت سوریه اکتفا کرد ولی اکنون بدون توجه به مخالفت‌های غرب وارد سوریه شده است؟

باتوجه به تحولات متعددی که در منطقه رخ داده و بحران‌هایی که تروریست‌های داعش در منطقه به وجود آورده‌اند پایان دادن به این بحران‌ها لازم است و به نظر می‌رسد کل جامعه بین‌المللی موافق اقدام علیه تروریست‌هاست تا این موج بی‌ثبات‌کننده در منطقه تحت کنترل قرار بگیرد. غرب، روسیه و متحدانش از جمله ایران روی این موضوع توافق دارند که مسئله تروریسم را باید از بین ببرد. برای اینکه چگونه این کار انجام شود کشورهای مختلف و صاحب نفوذ نقش‌های مختلفی را بازی می‌کنند ولی اجماعی به وجود آمده است که مسئله تروریسم به طور جدی مورد بررسی قرار گیرد که چگونه داعش را کنترل کند. دلیل اینکه روسیه در سوریه وارد فاز نظامی شده برای این است که بندر طرطوس در سوریه پایگاه قدیمی و تنها بندری است که روسیه توسط آن به آب‌های آزاد راه دارد و سعی می‌کند با همه توان آن را حفظ کند. حضور نظامی مسکو هم تضمینی برای بقای نظام سوریه و هم در راستای مبارزه با داعش است.

برخی معتقدند روس‌ها با ورود نظامی به سوریه، به طور اعلام نشده‌ای می‌خواهند از فشار اسد عبور کنند. به این معنی که دیگر ماندن و رفتن اسد برای روسیه بی‌معنا می‌شود، چون ماهیت نظام تغییر ناپذیر است. این تحلیل را چقدر قبول دارید؟

بحث‌های مختلفی در این زمینه وجود دارد ولی آخرین مواضعی که روسیه در قبال تحولات سوریه نشان داده این است که تا زمانی که تروریست‌ها در سوریه حضور دارند بحث‌ها بر سر تغییر فشار اسد کار عبث و بیهوده‌ای است و به نتیجه نخواهد رسید. زیرا مبارزه با تروریست‌های تکفیری باید توسط دولت سوریه و به ویژه اسد انجام شود و الان نمی‌توانند حین مبارزه با تروریست‌ها مهربان‌ی را تغییر دهند. این چیزی است که همه روی این مسئله متفق القول هستند و حتی وقتی‌ها هم روی این موضع اتفاق نظر دارند. حتی غرب بر سر ماندن اسد تا زمان دوره انتقالی نیز توافق کرده است.

اگر منظور که روس‌ها مطرح می‌کنند طرحی برای دور انتقالی وجود داشته باشد، پیش‌بینی شما از نقش اسد در چنین دوره‌ای چیست؟

مسلم است که فشار اسد سرنو کار باقی می‌ماند تا بتواند به مبارزه با تکفیری‌ها بپردازد و با حفظ یکپارچگی نظام مبارزه را به سرانجام برساند. اگر اسد در شرایط کنونی کنار گذاشته شود شیرازه نظام از بین خواهد رفت. در شرایط کنونی اسد بهترین گزینه برای مبارزه با تروریست‌ها است. اینکه در آینده چه اتفاقی رخ می‌دهد باید منتظر ماند و دید.

هیچ فرقی بین اسد و ماهیت نظام سوریه وجود ندارد و این دو به هم وابسته هستند. اسد از لحاظ خاندانی یک کاربزمایی دارد و این کاریزما در داخل حزب بعث کاملاً جاافتاده است و چون نظام سوریه اصالتاً بعثی است بین اسد و نظام بعثی هیچ فرقی وجود ندارد و این حزب است که امور را اداره می‌کند. چرا مهربان‌ی که کار را به پیش می‌برد باید عوض شود؟ در شرایط فعلی کوچکترین تغییر در نظام

سوریه بحران‌های بزرگی را در دستگاه سوریه به وجود می‌آورد که نمی‌توان آن را کنترل کرد. اگر نظام اسد از هم فروپاشد کاملاً مسئله معارضان مسلح و تکفیری‌ها روی زمین باقی می‌ماند و حوادثی در منطقه رخ می‌دهد که آینده آن نامعلوم است. نمونه بارز چنین تحولی را در لیبی مشاهده کردیم و اگر دو کشور را با هم مقایسه کنیم متوجه اهمیت قضیه می‌شویم. زمانی که معمر قذافی، رهبر سابق لیبی در این کشور به دست انقلابیون کشته شد ساختار لیبی از هم پاشید و الان معلوم نیست چه کسی در لیبی حکومت می‌کند و اگر اسد تغییر کند این مسئله در سوریه نیز تکرار خواهد شد.

برخی معتقدند ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه از جانب اوکراین تا حدی خیالش راحت شده و فرصت را مناسب دیده تا در سوریه نیز نقش مؤثری ایفا کند. شما تا چه حد این تحلیل را قبول دارید؟ اساساً آیا می‌شود اوکراین و سوریه را به هم ربط داد؟ البته ممکن است جواب دهید



عکس گرفته‌شده در جریان بیان

بررسی تحولات سوریه، یمن و فلسطین

در گفت‌وگو با سیداحمد دستمالچیان، سفیر سابق ایران در لبنان و اردن

تغییر در نظام سوریه بحران‌های بزرگ ایجاد می‌کند

ادامه حضور در یمن برای عربستان بسیار خسارت‌بار است

که در روابط بین‌الملل همه متغیرها به هم وابسته است، ولی منظورم از تباط جدی است؟

سوریه از آخرین پایگاه‌های روسیه در خاورمیانه است که به دلیل جایگاه استراتژیک و بسیار مهمی که در تحولات خاورمیانه دارد به همین خاطر، از همان روز اول شروع بحران سوریه، مسکو به خصوص شخص پوتین اعلام کرد که ما به هیچ وجه سوریه را رها نمی‌کنیم و برای حاکمی از اهمیت دمشق برای روسیه است. پایگاه دریایی طرطوس تنها پایگاه خاورمیانه‌ای روسیه است که در آب‌های آزاد قرار دارد و روسیه از طریق این بندر می‌تواند تمامی تحرکات و رفت‌وآمدها را در منطقه کنترل کند. اگر این بندر از دست روسیه خارج شود بسیاری از تحرکات در منطقه از دید روسیه مخفی خواهد ماند و این رو حفظ این پایگاه، استراتژیک است. پوتین برای اینکه بتواند در معادلات خاورمیانه جایگاهی داشته باشد سوریه را در اختیار گرفته و با این برگ مهم بازی می‌کند و طبیعی است که در رابطه با سوریه حساسیت لازم را انجام بدهد. اینکه پوتین اهمیت اوکراین و سوریه را هم‌تراز کرده باشد بستگی به تحولاتی دارد که در آینده رخ می‌دهد.

الان حضور روسیه در سوریه صرفاً به خاطر این است که دولت فشار اسد را حفظ کرده و تقویت کند تا تروریست‌ها نابود کنند. طبیعی است که در بسیاری از محافل کارشناسی از نگرانی نسبت به آینده سوریه صحبت‌هایی می‌شود ولی در حال حاضر این مسئله در همین حد است. ایران نیز با روسیه هماهنگی لازم برای عملیات میدانی دارد و دو کشور یک اتاق عملیات مشترک علیه تروریست‌ها ایجاد کرده‌اند.

برخی مقامات روس چقدر نگرش غرب و احتمالاً عملیات ضد تروریستی نیروهای روسیه در سوریه از ماه اکتبر سال جاری میلادی شروع خواهد شد. به نظر تان این عملیات در چه سطحی خواهد بود؟ آیا تمام عیار خواهد بود یا اینکه مستشاران روسیه به از تنش سوریه تنها مشاوره‌های نظامی خواهند داد؟

به نظر می‌رسد در مرحله اول تا آنجایی که ممکن

است روس‌ها دولت سوریه را تقویت کنند و خودشان به طور مستقیم وارد عمل نمی‌شوند. اما چیزی که مهم است تصمیمی که روس‌ها برای نابودی تروریست‌ها گرفته‌اند استراتژیک است که به مرحله ظهور می‌رسد و در مقطع زمانی خاصی انجام خواهد شد. این تصمیم برای نابودی نهایی تروریست‌ها اتخاذ شده است.

چقدر احتمال می‌دهید ایران بعد از پرونده «برجام» با امریکا پر سر سوریه وارد گفت‌وگو شود؟ اصلاً به نظر شما در شرایطی که وارد همکاری امنیتی با روس‌ها و... در سوریه (و عراق) شده‌ایم، ورود به مذاکره با امریکا به نظر تان به نفع ما است؟

این مسئله بارها از طرف مقامات مسئول اعلام شده است که چنانچه امریکا در پرونده هسته‌ای همکاری کند از اینکه در بعضی پرونده‌ها از جمله سرکوب تروریست‌ها در منطقه وارد عمل شود، بستگی به نوع رفتار امریکا دارد. در شرایط فعلی چون هنوز چیزی مشخص نیست پس سخن گفتن از این همکاری و هماهنگی زود است.

در هفته‌های اخیر مواضع غربی‌ها نسبت به فشار اسد تغییر یافته و آنها از خروج آبرومندانه اسد از قدرت سخن گفتند. اصلاً تا چه حد به چیزی به اسم خروج آبرومندانه اسد اعتقاد دارید؟

تا چندی پیش همه غرب خواستار حذف اسد از صحنه قدرت سوریه بودند ولی برای حفظ آبروی خودشان طرح خروج آبرومندانه را مطرح می‌کنند. آنچه مسلم است در شرایط کنونی اسد باید باشد تا روند مبارزه با تروریست‌ها به خوبی انجام شود و هیچ راه‌حل دیگری وجود ندارد.

چه عواملی در تغییر نگرش غرب و متحدان منطقه‌ای‌اش نسبت به سوریه مؤثر بوده است؟

مهم‌ترین دلیل این است که تروریست‌های داعش به شدت منطقه را ناامن کرده‌اند و نشان داده‌اند که نیروی قابل اتکایی نیستند و این نگرانی به وجود آمده که اگر آینده سوریه در دستان این گروه‌ها قرار گیرد کل منطقه بی‌ثبات و ناامن خواهد شد و تمام منافع غرب مورد تهدید قرار خواهد گرفت.



تصمیمی که روس‌ها برای نابودی تروریست‌ها گرفته‌اند استراتژیک است که به مر حله ظهور می‌رسد و در مقطع زمانی خاصی انجام خواهد شد ولی در مرحله اول آنها تا جایی که ممکن است خودشان به طور مستقیم وارد عمل نمی‌شوند و دولت سوریه را تقویت خواهند کرد

این جریان سیال تعریف می‌شود و متغیر است. هر کشوری باید منطبق با منافع ملی خودش تصمیم بگیرد و نقاط قوت، ضعف، تهدیدات و فرصت‌ها را شناسایی و بر اساس آن برنامه‌ریزی کند. اینکه صرفاً به یک کشور اعتماد کامل

داشته باشیم از پختگی و تجربه سیاسی به دور است و مسلماً منافع روسیه با ایران و سوریه و سایر کشورها متفاوت است. الان منافع مشترک کشورها این است که تکفیری‌ها را سرکوب کنند تا خاورمیانه امنیتی بیشتری داشته باشد و اینکه در آینده چه رخ می‌دهد باید منتظر بمانیم.

در روزهای اخیر منابع روسی و عراقی اعلام کرده‌اند که یک ستاد اطلاعاتی و امنیتی بین ایران، روسیه و سوریه برای مقابله با داعش در بغداد تشکیل شده است. هدف از تأسیس این ستاد چیست؟

طبیعی است که برای مبارزه با تروریست‌ها اتاق عملیاتی تشکیل شده تا هماهنگی کامل بین نیروهایی که در صحنه میدانی حضور دارند ایجاد شود و عملیات موازی و اشتباهی انجام نشود. این اتاق عملیات بیشتر برای هماهنگی میدانی و فرماندهی است که خطوط کلی را با هم هماهنگ کنند.

همانطور که مستحضر هستید نیروهای ائتلاف عربی در هفته‌های اخیر نبرد زمینی علیه نیروهای یمنی را آغاز کرده‌اند ولی تاکنون به نتیجه دلخواه که همان اشغال صنعا، پایتخت

لذا در وسط راه به این نتیجه رسیدند که نباید از ترویست‌ها حمایت کنند. به نظر می‌رسد امریکا با توجهات بسیار غلط و خطاهای استراتژیکی که عربستان انجام داد و نسبت به سیگنال‌هایی که به واشنگتن می‌رسید فریفته و وارد معرکه سوریه شد.

واشنگتن بر این باور بود که با کمک عربستان می‌تواند معادلات سوریه را تغییر دهد ولی پس از مدتی دید که عربستان از تشکیلات تروریستی حمایت مالی و لجستیکی می‌کند و به همین خاطر در وسط راه تغییر نگرش داد. وزن استراتژیکی هم نداشت که منطقه را به دست بگیرد و اینکه بتواند در سوریه دولت‌سازی کند. از طرفی، این گروه‌های مسلح نیز اختلافات اساسی وجود دارد و آنها با همدیگر درگیر هستند و به این جمع‌بندی رسیدند که نمی‌توانند روی تروریست‌ها سرمایه‌گذاری کنند.

در روزهای اخیر اخباری منتشر شده است که نشان می‌دهد چین نیز برای کمک به نیروهای روسیه و سوریه یک ناو هواپیمابر به طرطوس فرستاده است. به نظر تان چین در سوریه به دنبال چیست؟

الان یک اجماع بین‌المللی برای مبارزه با تروریست‌ها ایجاد شده است و حتی گروه ۵+۱ خواسته است که با ایران جلسه‌ای درباره سوریه برگزار کنند و علاوه بر برنامه هسته‌ای ایران، تحولات سوریه را نیز مورد بررسی قرار دهد. الان اجماعی انجام شده که دولت سوریه را تقویت کنند تا تروریست‌ها را نابود نمایند و حضور چین در سوریه نیز در حمایت از موضع روس‌ها در مقابل تکفیری‌هاست.

اگر این فرقیه را مطرح کنیم که اگر روسیه با کمک ایران و حزب‌الله بتواند تروریست‌ها را از سوریه عقب رانده و ثبات را به این کشور بازگرداند آیا در آن صورت مسکو حاضر به پذیرش خواسته‌های غرب و متحدانش خواهد شد یا نه؟ زیرا در این صورت دلیلی بر پذیرش خواسته‌های غرب وجود ندارد؟

سیاست یک امر سیالی است و منافع کشورها در خوبی که نیروهای سوریه و عراقی در مقابل تروریست‌ها بروز دادند عربستان را برای رسیدن به اهدافش در منطقه ناکام گذاشت. همه تحرکات عربستان در منطقه باعث ضعف آل سعود و نفرت مردم منطقه علیه این رژیم شده است. رژیم سعودی در یمن نیز خطاهای خود را تکرار کرد و در ابتدا فکر می‌کرد در عرض یک هفته با بمباران هوایی می‌تواند پیروز شود ولی الان با گذشت شش ماه از حملات هوایی و نابودی تأسیسات زیربنایی در یمن تنها نتیجه جنگ کشتار مردم بی‌گناه بوده است و هیچ کس با جنایات این رژیم مخالف نمی‌کند. به نظرم، عربستان یک حالت روانی پیدا کرده و خودش را به در و دیوار می‌زند و به هیچ وجه نمی‌تواند در عرصه زمینی در یمن پیروز شود. چون با توجه به موقعیت جغرافیایی و سوق‌الجیشی یمن نمی‌تواند عملیات زمینی را انجام دهد و عربستان نیز به این مسئله آگاه است.

باتوجه به افسران ترسویی که عربستان دارد

امکانات خود را از دست خواهد داد و نمی‌تواند با نیروی زمینی اهدافش را پیش ببرد. از طرف دیگر، نیروهای انصارالله روی زمین مسلط هستند و با هشجیاری کامل برخورد می‌کنند و جواب قاطع و کوبنده‌ای به حملات نیروهای ائتلاف داده‌اند. حمله موشکی دقیق یمنی‌ها به مواضع نیروهای ائتلاف در استان مأرب ضایعه در ناکی برای عربستان و متحدانش بود که سردرگمی ائتلاف عربی را در پی داشت. حملات انصارالله حساب شده و دقیق است و حتی عملیات زمینی در استان‌های حیزان و مرزهای جنوبی عربستان انجام می‌دهند و بر اوضاع میدانی مسلط هستند و عملاً استان‌های جنوبی عربستان سقوط کرده‌اند.

با ادامه حملات نیروهای ائتلاف علیه یمن آیا انصارالله گزینه‌های استراتژیک را عملی خواهد کرد؟ همان چیزی که عبدالملک الحوثی رهبر انصارالله پیشتر آن را مطرح کرده بود؟

هر چه عربستان بیشتر در یمن بماند برایش بسیار خسارت بار خواهد بود. عربستان هم از لحاظ حیثیتی و اعتباری خود را تضعیف می‌کند و هم اینکه ادامه جنگ هزینه‌های مالی به همراه دارد. تاکنون چیزی حدود ۱۲۰ میلیارد دلار در این شش ماه صرف جنگ یمن شده است و این مسئله فشارهای اقتصادی ایجاد کرده و کسری بودجه را به همراه خواهد داشت و در نهایت مردم به مشکلات واکنش نشان خواهند داد.

الان اختلافات جدی بین شاهزادگان داخلی سعودی برای عدم ادامه جنگ در یمن ایجاد شده است و امریکا سعودی‌ها را تحت فشار قرار داده که هر چه زودتر بحران یمن را تمام کند. زیرا پس لرزه‌های جنگ یمن رژیم آل سعود را از درون دچار فرسایش خواهد کرد و عربستان به دنبال این است که آبرومندانه از جنگ یمن خارج شود.

به تحولات فلسطین نیز نگاهی بیفکنیم. در هفته‌های اخیر دور جدیدی از حملات صهیونیست‌ها به مسجداًلقصی شروع شده و صدها تن از فلسطینیان در درگیری با نظامیان صهیونیست زخمی و دستگیر شده‌اند. هدف اسرائیل از یورش به مسجدالاقصی چیست؟ آیا همانطور که فلسطینیان می‌گویند



یمن بود ترسیده‌اند و حتی در استان مأرب که کانون تجمع نیروهای ائتلاف است تلفات زیادی از متحمل شده‌اند. به نظر تان آیا عربستان و متحدانش یمنی‌ها هستند که نیروهای ائتلاف را زمین گیر کرده و آنها را به عقب‌نشینی از مواضع خود وادار خواهند کرد؟

عربستان از هفته اول متوجه شد که خطای بسیار بزرگی در یمن مرتکب شده است. عربستان با بحرانی که در سوریه ایجاد کرد و برخی کشورها مثل ترکیه را با خود هماهنگ کرد محاسباتش این بود که با حمایت از گروه‌های تروریستی فشار اسد را تحت فشار قرار دهد که در نهایت موفق به انجام آن نشد.

در ادامه اختلافات عمیقی بین عربستان، ترکیه و قطر رخ داد و ائتلاف اول علیه سوریه شکست خورد و پس از آن تحولات مصر باعث دوری ترکیه و عربستان از یکدیگر شد. مقاومت خوبی که نیروهای سوریه و عراقی در مقابل تروریست‌ها بروز دادند عربستان را برای رسیدن به اهدافش در منطقه ناکام گذاشت.

همه تحرکات عربستان در منطقه باعث ضعف آل سعود و نفرت مردم منطقه علیه این رژیم شده است. رژیم سعودی در یمن نیز خطاهای خود را تکرار کرد و در ابتدا فکر می‌کرد در عرض یک هفته با بمباران هوایی می‌تواند پیروز شود ولی الان با گذشت شش ماه از حملات هوایی و نابودی تأسیسات زیربنایی در یمن تنها نتیجه جنگ کشتار مردم بی‌گناه بوده است و هیچ کس با جنایات این رژیم مخالف نمی‌کند. به نظرم، عربستان یک حالت روانی پیدا کرده و خودش را به در و دیوار می‌زند و به هیچ وجه نمی‌تواند در عرصه زمینی در یمن پیروز شود. چون با توجه به موقعیت جغرافیایی و سوق‌الجیشی یمن نمی‌تواند عملیات زمینی را انجام دهد و عربستان نیز به این مسئله آگاه است.

باتوجه به افسران ترسویی که عربستان دارد

عربستان یک حالت روانی پیدا کرده، خودش را به در دیوار می‌زند و به هیچ وجه نمی‌تواند در عرصه زمینی در یمن پیروز شود، از طرف دیگر، نیروهای انصارالله روی زمین مسلط هستند و با هشجیاری کامل برخورد می‌کنند

عربستان یک حالت روانی پیدا کرده، خودش را به در دیوار می‌زند و به هیچ وجه نمی‌تواند در عرصه زمینی در یمن پیروز شود، از طرف دیگر، نیروهای انصارالله روی زمین مسلط هستند و با هشجیاری کامل برخورد می‌کنند

عربستان یک حالت روانی پیدا کرده، خودش را به در دیوار می‌زند و به هیچ وجه نمی‌تواند در عرصه زمینی در یمن پیروز شود، از طرف دیگر، نیروهای انصارالله روی زمین مسلط هستند و با هشجیاری کامل برخورد می‌کنند

عربستان یک حالت روانی پیدا کرده، خودش را به در دیوار می‌زند و به هیچ وجه نمی‌تواند در عرصه زمینی در یمن پیروز شود، از طرف دیگر، نیروهای انصارالله روی زمین مسلط هستند و با هشجیاری کامل برخورد می‌کنند

عربستان یک حالت روانی پیدا کرده، خودش را به در دیوار می‌زند و به هیچ وجه نمی‌تواند در عرصه زمینی در یمن پیروز شود، از طرف دیگر، نیروهای انصارالله روی زمین مسلط هستند و با هشجیاری کامل برخورد می‌کنند

طبیعی است که رژیم صهیونیستی در فضای غبارآلودی که در منطقه ایجاد شده بتواند طرح‌های خود را به سرانجام برساند. از دیرباز رژیم صهیونیستی چشم طمع به مسجدالاقصی داشت و الان بهترین فرصت برای این رژیم فراهم شده تا بتواند در فضای ناامن و بی‌ثبات خاورمیانه اهدافی را عملی کند. در شرایط کنونی به جای اینکه توجهات جهان اسلام به طرف رژیم صهیونیستی و خطرانی که از سوی این رژیم وجود دارد متمرکز شود و نیروهای مقاومت ایسن رژیم را مهار کنند با هماهنگی اسرائیل و عربستان این توجهات به سوی جامعه اسلامی و مقابله با تکفیری‌ها متمرکز شده است. می‌بیشم که درگیری داخلی در منطقه نیروهای مردمی و محور مقاومت را روز به روز تضعیف می‌کند و توانی که باید علیه جنایات رژیم صهیونیستی به کار گرفته می‌شد برای مقابله با منازعات داخلی و تروریست‌ها صرف می‌شود.